

متن پرسش

سلام: شما در جواب سوال ۱۱۸۳۸ گفتید: شکاکیت یا یک بیماری است و یا یک موضع‌گیری مصلحتی. ظاهراً گرگیاس دومی باشد. ۱. اما با توجه به گفته های گرگیاس او منکر وجود شده، شک نیست، وجود و عدم دو مقوله کاملاً متناقض و بدیهیست و غیرقابل انکار، حال این سوال و شاید حیرت غیر قابل حل برای من پیش آمده که چرا یک انسان حاضر می شود بدیهی ترین چیزها مثل وجود را انکار کند؟ چه نفعی برای او دارد؟ چه مصلحتی باعث این انکار شده؟ لطفاً با جواب کامل بنده را از این حیرت خارج کنید. ۲. آیا این انکار گرگیاس انکار اصل وجود است و یا انکار وجود خارجی؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- تا آنجا که بنده در جریان فضای زمان سوفسطائیان هستم همان فضایی که سقراط توسط سوفسطائیان محکوم به اعدام می‌شود، فضا، فضای سیاسی است و لذا نباید برای انکار «وجود» توسط گرگیاس به دنبال دلیل علمی و عقلی بود. جناب آقای دکتر داوری در آثار خود این موضوع را به خوبی روشن کرده‌اند ۲- مسلّم سوفسطایی وجود خارجی را انکار می‌کند ولی به شما اجازه‌ی تفکیک اصل وجود از وجود خارجی را نمی‌دهد. موفق باشید